

اعراب حجاج ایرانی را کشته و غارت کردند!

جمعه ۳ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

امروز وزیر مختار روس وقت داده است به ایرانی ها که از او دیدن بکنند، وزیر مختار آدم اخمونی به نظر آمد.

دوشنبه ۶ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

یک ساعت به غروب مانده رفتم منزل حشمت الدوله، ساعدالوزاره که ژانرال قنصول تفلیس بوده با وزیر مختار روس آمده بود، خیلی فرنگی مآب تشریف دارند!

سه شنبه ۷ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

پیاده رفتم به در خانه، یک رأس اسب اعلیحضرت همایونی برای دختر وزیر مختار روس مرحمت کرده بود، آوردند دیدم...

چهارشنبه ۸ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

منصور نظام که می خواهد درة الدوله را بگیرد، پسر شیخ علی خان شاهسون بغدادی است، رعیت منش و کدخدا روش است...

چهارشنبه ۸ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

امروز وزیر دربار و صاحب اختیار و قوام السلطنه وزیر مالیه رفتند و تاج کیانی را که چند روز بود آورده بودند بیرون که عکسش را بیاندازند و تعمیر

بکنند، مجدداً بردند (در) خزانه گذاردند.

شنبه ۱۱ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

ناصرالملک آمده، کمیسیون تاجگذاری هم عملش ختم شده، یکی از گفتگوها این است که حضرت ملکه جهان را که ما در اعلیحضرت است برای تاجگذاری بخواهند که بیاید طهران.

شنبه ۱۱ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

سردار ظفر خیلی چاق شده است، مرض کلیه هم دارد، کلیتاً بختیاری‌ها چاق و نازک نارنجی شده‌اند و گاهگاهی تقلید از مرحوم اتابک می‌کنند، چون که خوب یاد گرفته‌اند که اظهار خستگی بکنند.

دوشنبه ۱۳ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

امروز سردار محتشم و سردار جنگ می‌آیند این جا، بختیاری‌ها مشغول آس بازی شدند و قمار کلاتی کردند، به قدر چهار صد تومان برد و باخت شد.

چهارشنبه ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

امروز اعلان رسمی می‌شود در تمام ولایات و پایتخت‌های عالم که روز بیست و هشتم شعبان تاجگذاری سلطان احمد شاه خواهد شد.

جمعه ۱۷ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

مراسم باشکوه تاجگذاری اعلیحضرت سلطان احمد شاه.

جمعہ ۱۷ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

در شهر شهرت غریبی کرده است کہ من خودم را چیز خور کرده ام... هر کس من را

می دید تعجب می کرد!

جمعہ ۱۷ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

سیف السلطنه سردار بهادر نسبت های بی ربط و خنک نسبت به

ناصرالدین شاه شهید سعید می دادند، جوابی دادم کہ اگر غیرت داشتند به

زمین فرو می رفتند!

جمعہ ۲۴ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

عین الدوله را می گویند استعفا بدهد ولی او نمی دهد، سلطنت قاجاریه

را او به باد داد، چطور می شود به این زودی استعفا بدهد.

سه شنبه ۲۸ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

رفتم منزل عین الدوله سر و گوش آب بدهم و ببینم کہ استعفا کرده یا نه!

این پدر سوخته به این چیزها استعفا نمی دهد.

چهارشنبه ۲۹ ربیع الاول ۱۳۳۲

□□□

میانه سوئدی ها با ایلات فارس جنگ شده، سوئدی زیادی کشته شده است.

شنبه ۲ ربیع الثانی ۱۳۳۲

□□□

عین السلطنه پسر بانوی عظمی مرحوم شده است.

سه شنبه ۵ ربیع الثانی ۱۳۳۲

□□□

امروز کبک زیادی برای فروش آورده بودند پا منار، دانه‌ای سه شاهی!
من شانزده تا خریدم.

یکشنبه ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۳۲

□□□

پسر دوم دبیرالدوله که داماد محتشم السلطنه بود مرحوم شده است.

چهارشنبه ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۳۲

□□□

برحسب احضار والا حضرت اقدس، یعنی آقای نایب السلطنه کامران
میرزای بی غیرت! رفتم امیریه!

شنبه ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۲

□□□

حضرت اقدس نایب السلطنه می خواهند گویا غذای روس‌ها را میل
نمایند و گویا می خواهند مطربی را هم گردن بگیرند و مطرب برایشان بیاورند
و از ایرانی‌ها خجالت می‌کشند... باری حضرت اقدس به جان کندن از
جیبشان پول درآورده برای خرید غذا و غیره، من حوصله‌ام تنگ شد از این
نوع کثافتکاری‌ها و نانجیبی‌ها برخاسته آمدم منزل!

شنبه ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۲

□□□

امروز سفیر کبیر جدید عثمانی که اسمش عاصم بیک است و چندی

قبل وزیر خارجه عثمانی بوده وارد طهران شده.

شنبه ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۲

□□□

بعضی ها می گویند اعلیحضرت محمد علی شاه خیال آمدن به ایران را دارد گفتند، امیر اعظم به او نوشته او را از طرف خودش دعوت کرده، می خواهد گولش بزند، دیگر خبر ندارد که حاجی گول خور نیست!

سه شنبه ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۳۲

□□□

سوار شده رفتم منزل صدرالعلماء، از آن جا منزل امام جمعه، بعد منزل امام جمعه خوی، محتشم السلطنه بود و صدرالاشراف با آقا سید حبیب اله که استیاف عدلیه هستند.

دوشنبه ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۲

□□□

از سعد الدوله سؤال کردم که امسال را به نظر چه می آید، خوب خواهد شد یا بد؟ جواب داد که من غیب نمی دانم، اگر وضع خوب است خوب تر خواهد شد و اگر بد است بدتر خواهد شد!

دوشنبه ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۲

□□□

کشته شدن مدیر روزنامه «فیگارو» بدست زن وزیر مالیه فرانسه!

دوشنبه ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۲

□□□

می گویند روس ها این روزها «التیماتوم» داده اند برای ژاندارمری ها که

این ها فقط برای منظم کردن طُرُق و شوارع بودند نه قشون جنگی دولتی.

شنبه سلخ ربیع الثانی ۱۳۳۲



میانه «مرنار» و «یالمارسن» بر هم خورده است، و وزراء مشغول پول گرفتن و کار نکردن هستند، ناصرالملک هم همه روزه تشریف می آورند دیوانخانه و صرف نهار می کنند!!

شنبه سلخ ربیع الثانی ۱۳۳۲



موتق الدوله اول قرمساق است! هیچ شباهتی ندارد به این که شاهی اینجاست و درباری است! موتق الدوله خودش است و آقا سید آقا، نه میر آخوری نه حاجب الدوله ای نه کشیکچی باشی، وضع دربار بی نهایت بد است.

پنجشنبه ۵ جمادی الاول ۱۳۳۲



روزنامه رعد با زبان خوشی بدگونی از دولت روس کرده و پلتیک روس را در ایران آشکار کرده است.

پنجشنبه ۵ جمادی الاول ۱۳۳۲



امروز صبح سپهدار و امیر مفخم و سردار بهادر رفته بوده اند پیش ناصرالملک که این چه وضعی است! و خیلی به ناصرالملک تاخت آورده بوده اند، ناصرالملک گفته بود اگر مقصود شما استعفای من است، من استعفا می کنم.

شنبه ۷ جمادی الاول ۱۳۳۲



سردار بہادر گفت هنوز از دست من کسی عارض نشدہ است من در جواب گفتم شما ہمیشہ در جزء نوکرها و ملازمان صدور بودید و پنجاہ نفر سوار بیشتر نداشتید، ملک و املاک شما ہم در بختیاری بود و بہ درد کسی نمی خورد، صبر بفرمائید در طهران و اطراف صاحب علاقہ بشوید و قدری ہم از قوہ تان کم بشود، آن وقت عرض خواہم کرد.

شنبه ۷ جمادی الاول ۱۳۳۲

□□□

اردوی ژاندارمری کہ رفتہ است بہ طرف بروجرد یک زن خدمتکار ہم با اردو رفتہ است، چہ از برای صاحب منصب ہای سوئدی و چہ از برای ایرانی!

دوشنبہ ۹ جمادی الاول ۱۳۳۲

□□□

عین الدولہ دیروز استعفای کتبی داد و استعفایش ہم قبول شد، و جان خلقی را آسودہ کرد.

سہ شنبہ ۱۰ جمادی الاول ۱۳۳۲

□□□

سوار شدہ رفتم منزل سردار بہادر کہ با ہم برویم بہ شمیران، با ہم سوار شدہ رفتیم باغ معتضد الملک کہ سردار بہادر اجارہ کردہ است بین راہ سہ تا صاحب منصب سوارہ را ہم دیدیم، سردار بہادر دعوتشان کرد!

چهارشنبه ۱۱ جمادی الاول ۱۳۳۲

□□□

از طرف خزانہ داری «مرنار» دو نفر آمدہ بودند، نقشہ تمام خانہ ہا را بر می دارند و ذرع و پیمان می کنند، معلوم نیست چہ خوابی برای مردم دیدہ اند.

شنبه ۱۴ جمادی الاول ۱۳۳۲

□□□

عبدالله خان خواجه که در «اُدسا» مرحوم شده وصیت کرده بود که نعش من را ببرید و در ایران دفن بکنید، آخر الامر ملکه جهان یک هزار و سیصد تومان از خودش خرج می‌کند، نعش را حمل طهران کرده در حضرت عبدالعظیم دفن می‌کنند.

شنبه ۲۱ جمادی‌الاول ۱۳۳۲



«ماژورکنت» سوئدی که می‌گویند پسر وزیر خارجه سوئد است در نزدیکی نوبران با دزدها مصادف شده، ماژور سوئدی با سیف الله خان و حسن السلطنه در آن ده کشته می‌شوند.

چهارشنبه ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۲



برای «ماژورکنت» تشریفات زیادی ترتیب داده بودند، سفرهم تماماً رفته بودند، در باغشاه نعش را با تشریفات آوردند.

شنبه ۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۳۲



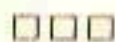
لسان الدوله را گرفته، بعضی کتاب‌های نفیس قیمتی که مال دولت بوده است به تدبیر از خانه‌اش در آورده‌اند، خودش را هم حبس کرده‌اند و مشغول استنطاق هستند.

سه شنبه ۲ جمادی‌الآخر ۱۳۳۲



ماجرای لو رفتن لسان الدوله....

چهارشنبه ۳ جمادی‌الآخری ۱۳۳۲



چند روزی بود میانہ سردار مؤید حاکم خمسہ با جہان شاہ خان سخت بر ہم خوردہ بود بہ طوری کہ نزدیک بہ زدو خورد بودند و سردار مؤید از تبریز استعداد خواستہ بود گفتند دو ہزار سوار با چند عرادہ توپ از تبریز حرکت کرد، برای خمسہ.

شنبه ۱۳ جمادی الاخری ۱۳۳۲



امشب جشن می گیرند و چراغانی کردہ اند چون شبی است کہ مرحوم مظفرالدین شاہ دستخط عدالت خانہ را داد و شبی است کہ ایران ویران شدہ، شبی است کہ بدبختی اہل ایران شروع شدہ است.

شنبه ۱۳ جمادی الاخری ۱۳۳۲



امروز اعلیحضرت تشریف فرمای قزاقخانہ می شوند.

دوشنبہ ۱۵ جمادی الاخری ۱۳۳۲



در پارلمان انگلیس صحبت این است کہ برای منطقہ انگلیس در ایران یعنی برای جنوب ایران از انگلیس صاحب منصب بیاید و سوندی ہارا خلع بکنند.

پنجشنبہ ۲۵ جمادی الاخری ۱۳۳۲



قوامی ہا با تشقائی ہا متحدہ شدہ، قوام الملک از صولت الدولہ دیدن کردہ است.

شنبه ۲۷ جمادی الاخری ۱۳۳۲



وزیر مختار (روس) بد اخلاق است و بی نہایت ہم خسیس و بہ

اصطلاح ... خور هست.

دوشنبه ۲۹ جمادی الاخری ۱۳۳۲

□□□

اعلیحضرت سلطان احمدشاه امروز تشریف فرمای بیلاق شدند.

چهارشنبه نهمه رجب المرجب ۱۳۳۲

□□□

یک دستگاه اسباب چائی خوری اعلاى چینی کاری اطریش داشتیم که امپراطور اطریش خودش به دست خودش در «وین» به من داده بود. پانصد تومان قیمت داشت گفته بودم به حسن خان بفروشد که پولش را به زخم بعضی کارهای شخصی بزنم، به مبلغ نود تومان فروخته پولش را هم به ما نداده...

دوشنبه ۶ رجب المرجب ۱۳۳۲

□□□

آمدن میدان توپخانه اتومبیل های زیادی برای کرایه آورده اند که به شمیران حرکت خواهند کرد و چه به طرف قزوین ورشت.

سه شنبه ۸ رجب المرجب ۱۳۳۲

□□□

عارف شاعر در آن موقع که گاردن پارتی بوده است یک شعری از برای سپهدار گفته بوده است، سپهدار دو نفر از آدم هایش را تحریک کرده است که هر جا عارف را گیر آوردند به قصد کشت بزنند.

سه شنبه ۷ رجب المرجب ۱۳۳۲

□□□

از قراری که سردار ظفر می گفت سردار بهادر فردا می رود به بختیاری،

نمی‌دانم. این جوانک حرامزاده چه در زیر سر دارد.

جمعه ۱۰ رجب المرجب ۱۳۳۲

□□□

قوام‌السلطنه سه وزارت خارجه به کاکل او می‌گردد؛ وزرات داخله،
وزارت جنگ و مالیه...

دوشنبه ۱۳ رجب المرجب ۱۳۳۲

□□□

اعلیحضرت وزرا را احضار فرمودند و به طور تغییر فرمودند که چرا
عمل تاجگذاری را مرتب نمی‌کنید؟

دوشنبه ۱۳ رجب المرجب ۱۳۳۲

□□□

رفتم منزل معیرالممالک، در واقع قمارخانه رسمی طهران. پسرهای
مرحوم اتابک و اشخاصی که هر شب آنجا هستند بودند و مشغول بازی
«رولت» بودند.

سه‌شنبه ۱۴ رجب المرجب ۱۳۳۲

□□□

ناصرالملک میل ندارد تاجگذاری بشود طوری مشغول است و
دوزوکلک می‌کند که بعد از تاجگذاری برود فرنگستان.

جمعه ۱۷ رجب المرجب ۱۳۳۲

□□□

از دیروز تا به حال از کالسکه، درشکه، اتومبیل، اسب، الاغ، قاطر و هر
مالی که رو به شمیران و از شمیران مراجعت می‌کند حق العبور می‌گیرند....

جمعه ۱۷ رجب المرجب ۱۳۳۲

□□□

ارفع الدوله سه چهار روز است که رفته است به فرنگستان که برود
«پترزبورغ» بعضی گفتند گویا راجع به ایران و آذربایجان و عزل شجاع الدوله
و انتخابات با دربار امپراطور مذاکره می‌کند.

چهارشنبه ۲۲ رجب المرجب ۱۳۳۲

□□□

رفتیم به عزم شمیران؛ خیابان‌ها را خوب آب‌پاشی می‌کنند از کالسکه
و درشکه یک قران می‌گیرند، اتومبیل‌های کرایه هم متصل کار می‌کنند.

دوشنبه ۲۷ رجب المرجب ۱۳۳۲

□□□

پُلِ جلوی سفارت روس را مشغول هستند تغییر می‌دهند که از بالاتر
درست برود رو به خیابان پهلوی سفارت.

دوشنبه ۲۷ رجب المرجب ۱۳۳۲

□□□

خیابان ناصریه را دو روز است مشغول چوب بست هستند از برای
تاجگذاری که اعلیحضرت از زیر طاق نصرت‌ها بروند مجلس قسم یاد کنند.

چهارشنبه ۷ شعبان المعظم ۱۳۳۲

□□□

می‌گویند وزیر خارجه که وثوق الدوله باشد استعفا کرده است.

شنبه ۱۰ شعبان المعظم ۱۳۳۲

□□□

ولیعهد دولت اطریش را هم با زنش کشتند.

چهارشنبه ۱۴ شعبان المعظم ۱۳۳۲

□□□

تاجگذاری روز بیست و هفت است. چون عده‌ای از وکلا حاضر نیستند بایست وکلای سابق حاضر باشند.

پنجشنبه ۱۵ شعبان المعظم ۱۳۳۲



پارتی‌بازی از برای وزیر شدن بعد از تاجگذاری زیاد است، هر کس به خیال وزارت است.

جمعه ۱۶ شعبان المعظم ۱۳۳۲



دو پارچه الماس بسیار قیمتی که بیست هزار تومان قیمت دارد حضرت اقدس (کامران میرزا نایب السلطنه) خیال فروشش را دارند و گویا سپهدار هم مشتری است مرحمت کردند به من که ببرم پیش سپهدار. به منتصرالممالک گفته بودم که اگر از تو پرسیدند کم قیمت نکن. وقتی که آمد قیمتش را نصف گفت بی نهایت مردم پدرسوخته و بدذات هستند.

دوشنبه ۱۹ شعبان المعظم ۱۳۳۲



به سفرای خارجه، سمت سفارت کبرائی داده می شود که در موقع تاجگذاری سفیر کبیر فوق العاده باشند.

سه شنبه ۲۰ شعبان المعظم ۱۳۳۲



امروز وزیرمختار آلمان آمده بود که سفارت کبرائی خودش را اعلان کند یک جفت شمعدان با یک طشتک بزرگ هم از طرف امپراطور به رسم هدیه آورده بود قدری وزیر دربار ما را دیده حرص خورد که چرا ما زنده هستیم... پدرسوخته جان سخت هنوز

ناخوش است نموده...

سه شنبه ۲۰ شعبان المعظم ۱۳۳۲

□□□

سفیر کبیر عثمانی هم که سمت سفیر فوق العاده دارد امروز (قرار است) شرفیاب بشود. سفیر یک قطعه نشان آل عثمان از طرف سلطان عثمانی آورد و خطبه قزائی خواند... شاه جواب خطبه سفیر را که با عبارت های سخت معلق نوشته بودند در کمال بلاغت خواندند.

پنجشنبه ۲۲ شعبان المعظم ۱۳۳۲

□□□

امروز صبح که وارد دربار شدم امین السلطنه را دیدم بی مقدمه گفت باز که امروز آمدی هر روز این جا کارت چیست؟ گفتم شما هر روز در این جا کارت چیست؟ گفت: من ندار هستم، پریشان هستم می آیم این جا از برای کسب نان شما که دارا هستید...

پنجشنبه ۲۲ شعبان المعظم ۱۳۳۲

□□□

جقه ای که حضرت اقدس (کامران میرزا) برای شاه درست کرده بودند چون خیلی عالی و گران بها شد از تقدیشم پشیمان شده اند!

شنبه ۲۴ شعبان المعظم ۱۳۳۲

□□□

امروز درشگه قیمتش گران است، هر درشگه دو تومان کرایه می گیرند برای این که از فردا جشن تاجگذاری است.

یکشنبه ۲۵ شعبان المعظم ۱۳۳۲

□□□

امروز اعلیحضرت همایونی از صاحبقرانیه تشریف فرمای شهر می شوند تاجگذاری که به عمل آمد به صاحبقرانیه مراجعت خواهند فرمود.

دوشنبه ۲۶ شعبان المعظم ۱۳۳۲



دم دروازه، رئیس نظمی که رئیس بلدییه هم هست یک سینی نان و نمک تقدیم کرد.

دوشنبه ۲۶ شعبان المعظم ۱۳۳۲



اعلیحضرت همایونی با ولیعهد و ناصرالملک و وزیر دربار و وزیر تشریفات وارد شدند مراسم قسم را چنانچه در قانون اساسی است انجام دادند. دری از توی باغ مجلس باز کرده اند به توی مسجد که اعلیحضرت تشریف ببرند نماز حاجتی بخوانند.

سه شنبه ۲۷ شعبان المعظم ۱۳۳۲



برای حضرت اقدس (کامران میرزا) جا معین کرده بودند زیر دست نصرت السلطنه و اعتضاد السلطنه. حضرت اقدس گفتند: «هر کس جا معین کرده است غلط کرده است من نوه خودم شاه است هر کجا دلم بخواهد می ایستم».

سه شنبه ۲۷ شعبان المعظم ۱۳۳۲



اعلیحضرت تشریف بردند بر تخت طاووس جلوس کردند. به عدد سلطنت قاجار توپ شلیک کردند.

سه شنبه ۲۷ شعبان المعظم ۱۳۳۲



برای تاجگذاردن بر سر شاه مدتی است گفت و گو است، از یک طرف علماء و خود ناصرالملک هم اصرار داشت که او تاج را بر سر اعلیحضرت بگذارد ولی شاه قبول نکرد خودشان با دست خود بر سر گذاردند.

سه شنبه ۲۷ شعبان المعظم ۱۳۳۲



وقتی که شاه از تخت پائین آمد ناصرالملک اصراری داشت که از حضرت اقدس (نایب السلطنه) جلو بیفتد، حضرت اقدس ه تند می آمد که نگذارد او جلو بیفتد!

سه شنبه ۲۷ شعبان المعظم ۱۳۳۲



این کابینه وزراء قانوناً باید استعفا بدهد ولی خیال استعفا دادن ندارند ناصرالملک می گوید تا ده روز دیگر خواهد رفت ولی از ترس شبها صد نفر ژاندارم را می آورد دور عمارت چال هرز می خوابانند.

پنجشنبه ۲۹ شعبان المعظم ۱۳۳۲



روزنامه رعد شرحی نوشته بود و اظهار خوشوقتی از تاجگذاری و انقضای سلطنت ناصرالملک کرد. آن ایام را به شب سیاه تشبیه کرده بود.

پنجشنبه ۲۹ شعبان المعظم ۱۳۳۲



دولت صربستان که با دولت اطریش اعلان جنگ داده بود چند روز است جنگشان شروع شده ولی دولت اطریش زده هر جای نابدتر دولت صربستان را پاره کرده. پایتخت صربستان را هم بمباردمان کرده است. دولت

روس و فرانسه با هم هم عهد هستند، آلمان و اطریش با هم یکی شدند و گویا امروز زدند به تیپ همدیگر.

دوشنبه ۱۰ رمضان المبارک ۱۳۳۲



مستوفی الممالک را اعلیحضرت به ریاست وزراء معین فرمودند. جنگ «اروپ» هم که سخت در گرفته پادشاه صربستان با ولیعهد و خانواده سلطنتی فرار کردند.

چهارشنبه ۱۲ رمضان المبارک ۱۳۳۲



اشخاصی که مستوفی الممالک می خواهد داخل کار بکند هیچ کدام راضی نمی شوند و در واقع ناز می کنند از جمله مشیرالدوله و مؤتمن الملک.

شنبه ۱۵ رمضان المبارک ۱۳۳۲



هنوز خیال سلطنت در کله بختیاری ها است. از طرز حرف هایشان همچو به نظر می رسد.

شنبه ۱۵ رمضان المبارک ۱۳۳۲



بلژیکی ها در نهایت رشادت جلوی آلمان ها را گرفته اند، قشون آلمان وارد شهر «لیژ» شده اند ولی یک نفر برنگشته است.

یکشنبه ۱۶ رمضان المبارک ۱۳۳۲



مجدالدوله قدری فرمایشات مزخرف که منحصر به خودشان است

کردند؛ تعریف از خودشان و تکذیب از ما، لازم شد جواب آقا را بگویم که ما خیلی از مجدالدوله عاقل تر هستیم. ایشان به قدر یک بچه عقل ندارند اقبال دارند...

دوشنبه ۲۴ رمضان المبارک ۱۳۳۲

□□□

بروکسل پایتخت بلژیک را آلمان‌ها گرفتند، شهر لیژ را هم گرفتند.

دوشنبه ۲ شوال المکرم ۱۳۳۲

□□□

رفتم منزل مصدق السلطنه، چندی است از فرنگستان آمده است.

چهارشنبه ۴ شوال المکرم ۱۳۳۲

□□□

اعلیحضرت همایونی حکم فرمودند کابینه سلطنتی را برهم بزنید، ماهی یکهزار و پانصد تومان مخارج کابینه سلطنتی بود.

شنبه ۱۴ شوال المکرم ۱۳۳۲

□□□

امروز نعش آقاسید عبدالله را حرکت می‌دهند برای عتبات، چهارهزار تومان اعلیحضرت پول داده...

جمعه ۱۸ ذی القعدة الحرام ۱۳۳۲

□□□

عثمانی‌ها اصراری دارند به دولت ایران که قشون روس را از خاک خودتان بیرون بکنید چون دولت ایران اعلان بی‌طرفی داده است «سرادواری» وزیر خارجه انگلیس گفته است: ایران مغشوش است، و

بایست قشون روس در خاک ایران باشد.

جمعه ۳ ذی الحجة الحرام ۱۳۳۲

□□□

امروز وقتی که می رفتند با تشریفات و موزیک شتر را ببرند میدان مشق بکشند قزاق‌ها را ندادند. شتر را آوردند دم نظمیه توی میدان توپخانه کشتند.

جمعه ۱۰ ذی القعدة الحرام ۱۳۳۲

□□□

در تبریز قنسول عثمانی را روس‌ها با اجزای قنسول‌خانه گرفته، دفتر قنسول‌خانه را ضبط کرده‌اند. قنسول عثمانی را خواهند برد روسیه و جزء اسراء حبس خواهند کرد. اعلانی هم اعلیحضرت همایونی کرد. بی طرفی خودش را اعلان کرده است دور نیست که همین روزها جنگ روس و عثمانی در ایران بشود.

سه شنبه ۱۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۳۲

□□□

دولت روس و عثمانی چند روز است شروع به جنگ نموده‌اند، عجلتاً عثمانی‌ها شکست خوردند امپراطور روس هم ارمنستان را آزادی داده، خیلی وعده کرده است و گفته اسلحه می‌دهم با عثمانی‌ها جنگ بکنید.

سه شنبه ۲۱ ذی القعدة الحرام ۱۳۳۲

□□□

در تبریز هر چه رعیت عثمانی و آلمانی و اطریشی بود، روس‌ها گرفته بردند. بانک روس و شاهنشاهی تبریز بانک‌هایشان را بردند به طرف قفقاز دور نیست که در بریز هم یک جنگی بشود. اگرچه دولت ایران رسماً اعلان

بی طرفی داده است ولی در نقاط ایران الان روس و عثمانی جنگ دارند.

پنجشنبه سلخ ذی القعدة الحرام ۱۳۳۲



دو روز است مردم ریخته اند دم در بانک توی میدان توپخانه اسکناس هایشان را می دهند پول سفید که هر قرانی دهشاهی نقره بیشتر ندارد می گیرند.

پنجشنبه سلخ ذی القعدة الحرام ۱۳۳۲

